

نقد و بررسی ویراست جدید فرهنگ روسی به فارسی

(گرانت واسکانیان، با همکاری محسن شجاعی)

آبتین گلکار (استادیار دانشگاه تربیت مدرس)

در میان چندین فرهنگ روسی - فارسی موجود، مانند فرهنگ روسی به فارسی (ا. ک. آفچینیکووا، ح. فروغیان، ش. بدیع)، یا فرهنگ روسی به فارسی (س. کلیفتسوا) و چند فرهنگ بازاری متفرقه، فرهنگ واسکانیان سال‌های سال سرآمد بقیه بود و در وضعیتی که چندان آمیدی به تهیه و ارائه فرهنگی بهتر نمی‌رفت، نعمتی به شمار می‌آمد و از هر نظر برای همه حجت بود. شاید تنها پس از انتشار این نسخه جدید بود که بسیاری از استفاده‌کنندگان از فرهنگ دریافتند نسخه پیشین، دست‌کم از نظر فنی، چقدر با معیارهای امروزی نشر فرهنگ فاصله داشت و هنگامی که ناشری حرفه‌ای، مانند «فرهنگ معاصر»، دست به انتشار فرهنگ بزند، کیفیت کار چقدر بهتر خواهد شد.

این را باید بخت خوش روسی‌دانان کشور دانست که انتشارات فرهنگ معاصر تصمیم به تهیه و انتشار نسخه جدید فرهنگ واسکانیان گرفت؛ زیرا، به گفته مدیر این مؤسسه انتشاراتی، پروژه‌های مربوط به زبان‌های کم‌کاربردی مانند روسی، به علت کم بودن نسبی شمار خریداران، به هیچ وجه صرفه اقتصادی ندارند. از سوی دیگر، هزینه آماده‌سازی این فرهنگ‌ها، به علت ناآشنا بودن حروف سیریلیک برای دست‌اندرکاران مراحل مختلف چاپ کتاب، مانند حروفچین و نمونه‌خوان، و لزوم استفاده از نیروی متخصص خارج از مؤسسه، بسیار بیشتر از فرهنگ‌های زبان‌های انگلیسی و آلمانی و مانند آن است و از این رو به‌ندرت ممکن است ناشران خصوصی به دنبال

سرمایه‌گذاری برای چنین کارهایی باشند (گفت‌وگوی نگارنده با داوود موسائی، ۱۳۹۲/۶/۵). پس دولت باید متولی این کار شود که البته گاهی هم می‌شود: برای مثال، سفارت ایران در اوکراین، در سال ۱۳۸۴، با همکاری چند استاد اوکراینی، اقدام به تهیه فرهنگ اوکراینی - فارسی کرد، ولی متأسفانه، به علت فقدان دانش فنی لازم، حاصل کار آن‌قدر ضعیف از آب درآمد که به هیچ شکل نمی‌توان آن را یک فرهنگ جدی دانست؛ هرچند همین فرهنگ نصفه‌نیمه که با برنامه word و به شکل بسیار ابتدایی صفحه‌بندی شده‌است، در این قحطی منبع، مورد استفاده دانشجویان ایرانی و اوکراینی قرار می‌گیرد. شاید بهترین حالت برای اجرای چنین پروژه‌هایی آن باشد که نهادهای دولتی فرهنگ لغت‌های زبان‌های کم‌کاربرد مورد نیاز خود را به ناشران حرفه‌ای و متخصص سفارش دهند و با تأمین هزینه‌های آن به نتیجه‌ای درخور برسند.

در نسخه پیشین فرهنگ همه واژه‌هایی را که با یک ریشه مشترک شروع می‌شدند، ذیل یک مدخل می‌دیدیم؛ برای مثال، در تصویر بالا مشخص است که واژه‌هایی مانند авиабаза, авиабилет, авиабомба, авиадесант و ۱۳ واژه دیگر همگی ذیل авиа آمده‌اند، درحالی‌که در نسخه جدید هرکدام از این واژه‌ها دارای مدخل مستقل و مربوط به خود است که استفاده از فرهنگ را بسیار آسان‌تر می‌کند.

فرهنگ از نظر محتوایی نیز بسیار تغییر کرده و به‌روز شده‌است. این به‌روزرسانی و تغییر محتوایی حاصل کار مشترک واسکانیان با محسن شجاعی است که نامش در نسخه جدید به عنوان «ویراستار و دستیار» ثبت شده‌است. شجاعی پیش از این فرهنگ فارسی تاجیکی را از خط سیریلیک به فارسی برگردانده و اینک نیز در حال ارائه ویراست جدیدی از فرهنگ فارسی - روسی یوری روبینچیک است. بدون انکار تسلط کم‌نظیر گرانت واسکانیان بر زبان فارسی، باید گفت در نسخه جدید نشانه‌های شمّ زبانی گویشوری فارسی کاملاً به چشم می‌خورد، و برعکس، کمبود همین شمّ و دور بودن از محیط زبانی ایران در نسخه پیشین گاه به چشم می‌آید و در مثال‌هایی که در ادامه خواهد آمد، روشن‌تر خواهد شد.

باری، شاید بارزترین شاخصه ظاهری ویراست جدید فرهنگ روسی به فارسی واسکانیان، که در نگاه نخست جلب توجه می‌کند، صفحه‌بندی جدید و حرفه‌ای و چشم‌نواز بودن متن و قلم‌های متنوع آن باشد. مقایسه دو صفحه از نسخه‌های قدیم و جدید فرهنگ برای اثبات این مدعا کافی است:

نسخه جدید

2

абонемѐнтный

абонемѐнт в театр	آبونمان تاتر	هنرمند سبکی] انتزاعی
концерт по абонемѐнтам	کنسرت‌های آبونمان	تجرید، انتزاع
межбиблиотѐчный абонемѐнт	امانت بین کتابخانه‌ای	مُهْمَل، بی معنی؛ یاوه؛ حماقت
абонемѐнтный	... اشتراک	مُهْمَل، بی معنی؛ یاوه؛ حماقت
абонемѐнтная плѐта	آبونمان، وجه اشتراک	به حدّ مهمل رساندن
вносить абонемѐнтную плѐту	وجه اشتراک [را] پرداختن	به سر حدّ حماقت رسیدن
абонѐнт <i>м.</i>	مشترک (مشترکین <i>мин.</i>)، آبونه	مُهْمَل بودن، بطلان
аборигѐн <i>м.</i>	بومی	مُهْمَل بودن اذعا
аборѐт <i>м.</i>	سقط جنین	مُهْمَل، یاوه، باطل
абрикѐс <i>м.</i>	۱. درخت زردآلو (<i>дерево</i>) ۲. [میوه] زردآلو	فکر باطل
абрикѐсовый	... زردآلو	دُمَل، آیسه
абрикѐсовое варѐнье	مربای زردآلو	[فرد] آبخاز
абсѐнтѐзм <i>м.</i>	خودداری از شرکت در انتخابات، عدم حضور در انتخابات	... آبخاز، آبخازی
абсолют <i>м.:</i>	به چیزی جنبه مطلق (بی قید و شرط) دادن، مطلق انگاشتن چیزی را	۱. جلودار <i>воен.</i> ۲. پیشگام، پیشاهنگ <i>перен.</i>
абсолютизировать <i>несов. и сов.</i>	مطلق ساختن، حکومت مطلقه، استبداد	авангард движения за демократію
абсолютизм <i>м.</i>	حکومت مطلقه، استبداد	پیشاهنگ جنبش دموکراسی خواهی
абсолютѐстский	مطلقه، استبدادی	быть в авангарде
абсолютно	کاملاً، مطلقاً (<i>совершенно</i>) اصلاً، مطلقاً (<i>при отрицании</i>)	در پیشاپیش ... گام برداشتن
Вы не устѐли? – Абсолютно!	شما خسته نشده‌اید؟ – مطلقاً (بله)!	идти в авангарде ...
Мы абсолютно не знали об этом.	ما اصلاً از این امر خبر نداشتیم.	авангардний
Он абсолютно прав.	کاملاً حق با او است.	авангардная роль
абсолютный (<i>совершенный</i>)	مطلق؛ کامل	аванс <i>м.</i>
абсолютная истина <i>филос.</i>	حقیقت مطلق	مساعده (<i>в виде ссуды</i>)
абсолютная увѐренность	اطمینان کامل	پیش برداخت، پیمانۀ
♦ абсолютная монархия	سلطنت مستبدۀ	выдавать аванс
абсолютное большинство	اکثریت مطلق	پیش برداخت دادن، پیمانۀ دادن
абсолютный чемпион	قهرمان مطلق	получать аванс
абстрагировать <i>несов. и сов.</i>	تجرید کردن، مُنتزع کردن	مساعده گرفتن
абстрагироваться <i>несов. и сов.</i>	تجرید شدن، مُنتزع شدن	مساعده دادن؛
абстрактно	به طور تجریدی، انتزاعی؛	پیمانۀ دادن (<i>отдавать задаток</i>)
به طور کلی (<i>не конкретно</i>) نامشخص	تجریدی، آیسره؛	авансировать строительство
абстрактный	کلی، نامشخص (<i>не конкретный</i>)؛ انتزاعی	برای کارهای ساختمانی مساعده اختصاص دادن
абстрактная живопись	نقاشی آیسره (تجریدی)	авансом
абстракционизм <i>м. иск.</i>	هنر انتزاعی، انتزاع‌گرایی	به صورت مساعده؛
		پیشکی (<i>разг.</i>)، به عنوان پیمانۀ
		پлатить сто рублей авансом
		صد روبل پیمانۀ دادن / پیشکی دادن (پرداختن)
		авансцена <i>ж.</i>
		پیش پرده؛
		<i>тж. перен.</i> پیش صحنه
		авантюра <i>ж.</i>
		کار (اقدام) ماجراجویانه
		пускаться на авантюры
		دست به ماجراجویی زدن
		авантюризм <i>м.</i>
		ماجراجویی، حادثه‌جویی
		авантюрист <i>м.</i>
		ماجراجو، حادثه‌جو
		авантюристический, авантюристский
		ماجراجویانه
		авантюрный <i>см. авантюристический</i>
		۱. پرماجرا
		۲. پرماجرا
		авантюрный роман
		رمان پرماجرا
		аварийный (<i>спасательный</i>)؛ احتیاطی
		۱. امدادی
		аварийный (<i>затасный</i>)، سانحه‌[ای] (<i>связанный с аварией</i>)

افزودن بسیاری واژه‌های جدید و از جمله اصطلاحات علمی و فنی تازه به فرهنگ، اصلاح و به‌روز کردن معادل‌ها، افزودن و اصلاح مثال‌ها، از جمله کارهای لازم و پرزحمتی است که با همکاری واسکانیان و شجاعی در حد قابل‌قبولی به انجام رسیده و کتاب را به مرجعی کارآمد و معتبر تبدیل کرده‌است.

البته نباید از این نکته نیز غافل ماند که این نسخه جدید در حقیقت نخستین ویرایش اساسی این فرهنگ است و طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت که با یک بار ویرایش، فرهنگی عاری از خطا و کاستی به‌دست آید. این فرهنگ باید چندین و چند بار دیگر نیز به همین شکل «صیقل» بخورد و با دریافت بازخورد از صاحب‌نظران و خوانندگان تکمیل و اصلاح شود. کلیه مواردی که در ادامه این مقاله به عنوان اشکال مطرح می‌شوند نیز فقط به منظور کمک به همین روند ارائه شده و به هیچ وجه قصد خرده‌گیری بر پدیدآورندگان فرهنگ در میان نبوده‌است، زیرا به‌راستی رفع همه اشکال‌ها و کمبودها در ویرایش نخست ممکن نیست و آنچه پدیدآورندگان در همین ویراست به‌دست داده‌اند، بسیار فراتر از حد انتظار بوده‌است.

مسئله اعراب‌گذاری

شاید تنها اشکال نظام‌مندی که بتوان به جنبه فنی نشر این فرهنگ گرفت، مسئله اعراب‌گذاری باشد. همان‌طور که در تصویر نمونه نسخه پیشین پیداست، در آن نسخه همه واژه‌های فارسی با حروف لاتینی آوانویسی شده بودند و مخاطب این کار هم قطعاً نه فارسی‌زبانان، بلکه روس‌زبانانی بودند که قرار بود از این فرهنگ استفاده کنند. در نسخه فعلی، با تصمیمی درست، این آوانویسی لاتین - که برای خواننده فارسی‌زبان بسیار دست‌وپاگیر و برای ناشر بسیار جاگیر بود - حذف و ظاهراً ترجیح داده شده‌است برای راهنمایی مخاطبان ناآشنا به تلفظ فارسی، از حرکت‌گذاری فارسی استفاده شود که متأسفانه چندان کارآمد به نظر نمی‌رسد. از یک سو، حرکت‌گذاری نصفه‌ونیمه انجام شده‌است؛ برای مثال، در ترکیب «ضرب و جرح» (در مدخل *избиение*) فقط فتحه روی حرف «ج» گذاشته شده و از فتحه «ض» صرف‌نظر شده‌است و در واژه «برگزیده» (مدخل *избранный*) ضمه «گ» گذاشته شده، ولی واژه «منتخب» در کنار آن حرکت‌گذاری نشده‌است. از این قبیل مثال‌ها بسیار می‌توان آورد و مشخص است که حرکت‌گذاری در این حد، کار روس‌زبان‌ها را چندان راه نمی‌اندازد و آنان به‌هرحال در

اغلب موارد ناچارند برای سر در آوردن از تلفظ صحیح واژه‌های فارسی به منابع دیگر رجوع کنند. از سوی دیگر، حرکت‌گذاری در این فرهنگ، برخلاف اغلب کتاب‌های چاپ‌شده در انتشارات فرهنگ معاصر، از نظر فنی نیز در سطح خوبی نیست. نشانه‌های زیر و زبر در بسیاری از موارد به سطرهای بالاتر یا پایین‌تر از سطر خود نزدیک‌تر هستند و گاه عملاً نمی‌توان دریافت حرکت‌ها مربوط به کدام سطر است و گاهی هم حرکت‌گذاری‌ها کلاً در حروف سطر بالا یا پایین گم می‌شود. نمونه‌هایی از این مسئله در تصویرهای زیر مشخص است:

изумляться, изумиться	به چیرت آمدن	галерѳя жс.	گالری
изумруд м.	زُمرُد	картинная галерѳя	گالری نقاشی، نگارخانه
изумрудный	زُمرُدین، ... زُمرُد	галка жс.	زاغ، کَشکرت
общепартійный	... عمومی حزب		
общепартійная конференция	کنفرانس عمومی حزب		
общеполѳзный	عام‌المنفعة		

مشخص است که حرکت‌گذاری واژه «زمردین» در سطر بالایی گم شده، کسره زیر «ی» در ترکیب «گالری نقاشی» به سطر پایین‌تر از خود نزدیک‌تر است تا سه فتحه مربوط به واژه «کشکرت»، یا آن‌که خواننده ناآشنا با تلفظ فارسی (که قاعدتاً مخاطب حرکت‌گذاری‌ها هم هست) احتمالاً بر پایه نشانه‌های فوق، حرف «ن» دوم در واژه «کنفرانس» را به کسره خواهد خواند. از این قبیل موارد زیاد است و شاید بهتر باشد در ویراست‌های بعدی کلاً از خیر حرکت‌گذاری گذشت و آن را فقط به واژه‌های دشوارخوانی محدود کرد که نبود حرکت‌گذاری در خواندن آن‌ها مشکل یا ابهام ایجاد می‌کند.

درست‌نگاری واژه‌ها

از حرکت‌گذاری که بگذریم، بسیاری از اشتباهات املائی و تاپیی نسخه قبلی، مانند «آلاجیق»، «بغچه»، «غلک» (به‌جای «قلک»، «ظبط صوت»، «اصراف»، «پابرچین»، «دوقولو»، و «کیلوگرام» در این نسخه اصلاح شده‌اند. هرچند موارد معدودی از اشتباهات املائی از نسخه اولیه به نسخه تازه نیز راه یافته‌است، از جمله:

- «زله» به جای «ذله» در مدخل допекать؛
- «سرخچه» به جای «سرخجه» در مدخل краснуха؛
- ملیت «پرتغالی» به جای «پرتغالی» هم در مدخل‌های португалец و португальский و هم در فهرست جای‌نام‌های پایان کتاب؛
- رنگ «توسی» در مدخل темно-серый (همین واژه در مدخل серый به شکل صحیح «طوسی» ضبط شده است)؛
- «انگیزاسیون» به جای «انگیزیسیون» در مدخل инквизиция؛
- «ازدهام» در مدخل гурьба (همین واژه در مدخل давка به شکل درست «ازدحام» ضبط شده و در مدخل стечение هردو شق درست و نادرست در کنار هم دیده می‌شود).
چند غلط تایپی جدید هم که تصادفاً به چشم آمد و برای تصحیح در چاپ‌های بعدی ذکر می‌کنم، عبارت‌اند از:
- «تبلیعات» در مدخل массиванный؛
- «مادمازل» به جای «مادموازل» در مدخل мадемуазель؛
- трикатажный به جای трикотажный در مدخل изделие؛
- «رگلاسکو» به جای «گلاسگو» یا «گلاسکو» در مدخل Глазго در فهرست جای‌نام‌ها؛
- «جززایر» به جای «جزایر» در مدخل Малайский архипелаг در فهرست جای‌نام‌ها؛
- «تلوزیونی» در مدخل ТВЦ در فهرست اختصارات پایان کتاب.
در نسخه جدید همچنین بسیاری از ضبط‌های قدیمی یا نامأنوس به‌روز شده و برای مثال، «مراتن»، «باسکتبال»، «بالستیک»، «بیفاسترگان»، «گتیک»، «پرسونل»، و «عقربک» به ترتیب به «ماراتن»، «بسکتبال»، «بالستیک»، «بیفاستروگانوف»، «گوتیک»، «پرسنل»، و «عقربه» تبدیل شده‌اند. واژه‌ها و عبارت‌های منسوخ فارسی، مانند «ذوفقار»، «الکل تقلیبی»، «آدم قورباغه‌ای»، «ثبوت مجرمیت» نیز جای خود را به اصطلاحات متداول و امروزی «مهره‌دار»، «الکل صنعتی»، «غواص» و «اثبات مجرمیت» داده‌اند. هرچند این روند را هنوز می‌توان ادامه داد و برای مثال، نمونه‌های زیر را اصلاح کرد. در موارد زیر، آنچه بعد از نشانه ● می‌آید پیشنهاد نگارنده است:

● به قیافه، از روی قیافه	аскетический	مرتاضانه
любезность,		● ریاضت طلبانه
любезный	غوررسی، غوررس	выткать
● همان «کنجکاوی» و «کنجکاو»، که در توضیح مدخل آمده، کافی است.		● خلائیدن
плинтус	ازاره	● فروکردن
● قرنیز		قطراً
пророческий	وخشورانه	● قطری، به شکل قطری
● پیشگویانه		جامد فکر
	жук	● جزم‌اندیش
		خزوک
		● سوسک، سوسک حمام
	лицо	قیافتاً
در رسم‌الخط واژه‌های فارسی نسخه جدید نیز گاه مواردی مشاهده می‌شود که ممکن است جنبه سلیقه‌ای داشته باشد، ولی نامأنوس به نظر می‌رسد؛ مانند		
пухлый	گوشت‌آلو	канализация
авангард	پیشاهنگ	فاضل‌آب؛ پساب
пылесос	جاروی برقی	краска
		رنگ‌رزی
		десантник
		تک‌آور

اصلاح و تدقیق معادل‌ها و معنی‌های مدخل‌ها

در معنی‌های ارائه شده برای برخی مدخل‌ها نیز می‌توان چون‌وچرا روا داشت و برای دقیق‌تر شدن و بهبود آن‌ها کوشید. برخی از این موارد، به ترتیب مدخل، عبارت‌اند از:

- بهتر است به‌جای معنی‌های «منتخبات» و مجموعه **альманах** «بیاض»، یا در کنار آن‌ها، واژه «گزیده» یا «جنگ» ● بهتر است به‌جای معنی «مجموعه»، یا در کنار آن، از واژه «گاهنامه» نیز استفاده شود، زیرا تأکید
- арфа** ● اصل در این واژه بر نامرتب بودن و مشخص نبودن زمان انتشار مجموعه ادواری است.
- اضافه شود. اگر واژه **бубен** با معادل‌های «دف» و **антология** منتخبات؛ بیاض

бинокль دوربین
● بهتر است تصریح شود که منظور از «دوربین»، معادل «چنگ» است.

атлетика ورزش سنگین
● معادل صحیح «وزنه‌برداری» است.

тяжелая атлетика ورزش سنگین
● استفاده از نوآژه‌های مصوب فرهنگستان در برخی موارد توی ذوق خواننده می‌زند. از آن جمله است افزودن واژه «چینی‌جا» به معنی «بوفه» در این مدخل، یا افزودن واژه «نی‌رشته» به «ماکارونی» در مدخل **макароны**، و «برشتار» به‌جای «توستر» و «بارگنج» به‌جای «کانتینر»

байдарка قایق ورزشی، کانوئه
● این قایق در فارسی بیشتر به «کانو» معروف است و ضبط «کانوئه» برای آن شاید ناشی از اشتباه در تلفظ واژه انگلیسی canoe باشد.

барсуک شَغار؛ شَخار
● در نسخه پیشین برای این واژه معادل «شغار» پیشنهاد شده بود که احتمالاً صورت نادرست واژه «شغال» بود. در نسخه جدید نه تنها این اشتباه اصلاح نشده، بلکه صورت «شَخار» هم به آن اضافه شده که به معنای «خاکستری که از سوزاندن گیاهان کویری به‌دست می‌آید» (انوری ۱۳۸۲، ذیل «شَخار») است و هیچ ارتباطی به واژه روسی ندارد. واژه روسی نام پستانداری است با نام علمی **Meles meles** که باید همان «گورکن» یا «رودک» فارسی باشد.

всеуслышание *сказать что-л. во всеуслышание*
در ملاً عام چیزی را آشکار گفتن
● در عبارت «در ملاً عام چیزی را آشکار گفتن» کلمه «آشکار» زاید است.

вспрыскивать پف‌نم زدن
● به‌جای «پف‌نم زدن» می‌توان از عبارت رایج‌تر «اسپری زدن» استفاده کرد.

выдержка اقتباس
● معنای «اقتباس» زیاد درست نیست. «بریده» یا «نقل قول» صحیح‌تر است.

громоздкий حجیم، جاتنگ‌کن
● واژه «جاگیر» مانوس‌تر از معادل «جاتنگ‌کن» می‌دهد که معنای رایج‌ترش هم هست.

белок ۱... ۲. آلبومین
● غیر از «آلبومین» معنای عام‌تر «پروتئین» هم می‌دهد که معنای رایج‌ترش هم هست.

биллион میلیارد
● در زبان روسی نیز، مانند انگلیسی، غیر از «میلیارد»، ممکن است به معنای «هزار میلیارد» و «بیلیون» باشد (Ожегов, Шведова, 2002: «Биллион»).

доктор ۱. دکتر، پزشک ۲. فوق‌دکتر
● در فرهنگ به‌درستی آمده است که این واژه برای رشته‌های پزشکی در حکم «درجهٔ دکتر» و در سایر رشته‌ها در حکم «درجهٔ فوق‌دکتر» است؛

● نه «پرچین چوبی» است و نه «میخ چوبی». ولی در مثال‌هایی مانند «[فوق] دکتر حقوق» یا «تیر چوبی نوک‌تیز» است.

تعاونی کردن، **коллективизация** کئوپراتیوی کردن
 چرند، مزخرف **ересь**

● معنی «تعاونی کردن» برای این اصطلاح سیاسی چندان صحیح نیست. این فرایند که به‌ویژه در دهه ۱۹۳۰ در روستاهای شوروی سابق به اجرا درمی‌آمد، در فارسی بیشتر به «اشتراکی‌سازی» و «اشتراکی کردن» معروف است و منظور از آن تبدیل مزارع خصوصی به مؤسسه‌های بزرگ کشاورزی اشتراکی (کالخوز) است.

تعاونی کردن» معادل **кооперирование** است. کفش اسکیت **коньки**
 ● معنی رایج‌تر این واژه «کفش پاتیناژ» و نیز خود ورزش «پاتیناژ» است. در صورتی که منظور کفش و ورزش اسکیت باشد، معمولاً صفت **роликовые** به آن اضافه می‌شود که در برخی از مثال‌های این مدخل نیز به چشم می‌خورد. همین نکته در مدخل‌های بعدی، که از همین واژه مشتق شده‌اند، نیز باید رعایت شود.

پیداآوردندگان بوده‌است.

حاذقانه **изоощренно**
 ● «حاذق» در فارسی امروزی بیشتر برای اطلاق به پزشکان به‌کار می‌رود. به‌جای قید «حاذقانه» بهتر بود از معادل‌هایی مانند «تیزبینانه»، «استادانه» و مانند آن استفاده شود.

۱... ۴. یعنی **или**

طیاره یعنی هواپیما **азроплан, или самолёт**

● یکی از معانی ارائه‌شده برای این حرف ربط، **край** ۱... ۳. منطقه؛ ایالت

● یکی از واحدهای تقسیمات کشوری رایج در روسیه است که اغلب (و از جمله در نسخه پیشین همین فرهنگ) «خطه» ترجمه می‌شود. در نسخه جدید معادل‌های «منطقه» و «ایالت» پیشنهاد شده‌است که تمایزی میان این واژه با تقسیمات کشوری **район** و **область** قائل نمی‌شود. ضمن

میخ چوبی؛ پرچین چوبی **кол**

اشکالات درست به همین شکل در مدخل‌های молдавский و молдаванин (مولداویایی) و молдаванский (مولداویایی) و эстонский (استونیایی) نیز به چشم می‌خورد. آن‌که در فهرست جای‌نام‌های پایان فرهنگ نیز در دو مدخل красnodарский край و красноярский край از همان اصطلاحات پیشین «خطه کراسنودار» و «خطه کراسنویارسک» استفاده شده‌است. بهتر است این دودستگی برطرف شود.

лежебока تن‌پرور، بالین‌پرست
● صفت «بالین‌پرست» واژه چندان مأنوسی نیست. همان «تن‌پرور» کافی به نظر می‌رسد. خنق **круп**

● «خنق» نام دیگر بیماری دیفتری (дифтерит) است. «خروسک» معادل دقیق‌تری برای این مدخل به نظر می‌رسد. **лошадиная** قوه اسب
● «лошадиная сила» به‌جای ترجمه تحت‌اللفظی «قوه اسب»

اصطلاح رایج «اسب بخار» رساتر می‌نماید. **маг** افسونگر
● واژه «افسونگر»، به‌ویژه هنگامی که هیچ

قرینه‌ای موجود نباشد، معنی‌های مختلفی دارد و پیش از همه معنی «بهت‌آور» را تداعی می‌کند. به همین دلیل واژه «جادوگر» معادل رساتری خواهد بود. **крыса** موش خرما
● این واژه، که در نسخه قبلی فرهنگ «خرموش» و در نسخه جدید «موش خرما» معنی شده‌است، احتمالاً باید «موش صحرائی» باشد و برعکس، واژه **суслик** به‌جای «موش صحرائی» باید «موش خرما» معنی شود. **латыш** [فرد] لتونی

● در چند مورد در ذکر معادل برای ملیت‌های مختلف بی‌دقتی مشاهده می‌شود. در معنی این واژه آمده‌است: «[فرد] لتونی» که ترکیب درستی نیست: یا باید گفت «[اهل] لتونی» یا «[فرد] لتونیایی». در مدخل‌های **латвийский** و **латышский** هم، که صفت‌های مشتق از همین اسم هستند، به پیروی از شیوه نشانه‌های فرهنگ، به‌جای «لتونی» باید نوشت «... لتونی» تا نقش

صفتی واژه نشان داده شود، دقیقاً همان‌طور که در مدخل‌های **малаец** و **малайский** در مورد ملیت مالزیایی به‌درستی اعمال شده‌است. **марионетка** عروسک
● «عروسک خیمه‌شب‌بازی» نسبت به «عروسک» معادل دقیق‌تری برای این واژه است. **мышь** شب‌پره؛ موش کور
● در این مدخل عبارت **летучая мышь** با دو واژه «شب‌پره» و «موش کور» تعریف شده‌است که هر دو فقط در معنای دوم و دور از ذهن خود معادل معنای صحیح واژه روسی، یعنی «خفاش» هستند. در عوض در مدخل **вампир** که بهتر است به «خون‌آشام»، «دراکولا» یا «وامپیر» ترجمه

نظر سبکی چندان درست نمی‌نماید. واژه‌هایی مانند «اراذل و اوباش» به سبک واژه روسی نزدیک‌ترند.

некурящий

Он некурящий

سیگاری نیست.

● به‌جای جمله توضیحی «سیگاری نیست» می‌توان به‌راحتی از معادل «غیرسیگاری» استفاده کرد.

осадки

بارندگی، بارش، باران

● به معنای کلی «نزولات جوی» است که علاوه‌بر «باران»، «برف» را هم در بر می‌گیرد.

пацифист

صلح‌طلب

● واژه «صلح‌طلب» معنای عام دارد و به همین دلیل برای ارائه معنای دقیق این اصطلاح سیاسی بهتر بود معادل «پاسیفیست» نیز ذکر شود.

перевирать, перевернуть

غلط گفتن؛ غلط شرح دادن

● معنی‌های «غلط گفتن»، «غلط شرح دادن» دقیق نیست. ارادی بودن عمل نیز جزئی از معنای این فعل است که در این معنی‌ها بازتاب نیافته‌است. «تحریف کردن» معادل بهتری است.

повесть

داستان

● در روسی میان این واژه و «рассказ» تفاوتی وجود دارد که می‌شود آن را با ارائه معنی‌های «داستان بلند» و «داستان کوتاه» به‌جای معنی مشترک «داستان» نشان داد.

подонки

رجاله[ها]؛ سفلگان

● این واژه روسی عامیانه است و از این رو ارائه معادل‌هایی قدیمی، مانند «رجاله» و «سفلگان»، از

покров

ПОД Покровом дымовой завесы

زیر پرده دود استتار

● در ترجمه یکی از مثال‌ها عبارت «زیر پرده دود استتار» به‌کار رفته که به‌هیچ‌وجه گویا نیست و حتی معادل روسی آن نیز سلیس به نظر نمی‌رسد. بهتر است در عبارت روسی این مثال تغییری ایجاد شود تا بتوان برگردان فارسی بهتری از آن ارائه داد.

простокваша

ماست

● «ماست» نیست؛ فراورده‌ای لبنی است از شیر ترشیده.

птичий

птичьё гнездо

لانه مرغ

● در مثال مربوط به این مدخل «لانه مرغ» باید به «آشپانه پرنده» تغییر پیدا کند.

рамазан

رمضان

● در روسی، به پیروی از تلفظ عربی، واژه «рамадан» برای اطلاق به ماه «رمضان» رایج‌تر است و جا داشت به آن اشاره شود.

расчёска

شانه

● در موارد مختلفی تک‌واژه‌های ارائه‌شده فارسی چندین معنا دارند و خواننده نمی‌تواند معنای مورد نظر را به‌راحتی دریابد؛ از جمله معلوم نیست کدام‌یک از معنی‌های مختلف «شانه» به این

- فقط به معنای «تکخوانی» نیست و ممکن است به هر اجرای تک‌نفره (از نواختن ساز گرفته تا رقص و باله و مانند آن) اطلاق شود. «شانه سر» ابهام را برطرف کرد.
- рулон** لوله
 ● معادل ارائه‌شده برای این واژه «لوله» است که دقیق و رسا نیست. منظور جسمی است که با پیچیدن به دور محوری به صورت لوله درمی‌آید، یعنی همان چیزی که در گفتار روزمره به آن «رول» گفته می‌شود.
- спартакиада** بازی‌های ورزشی
 ● معادل «بازی‌های ورزشی» معنی را تمام و کمال نمی‌رساند. منظور مجموعه‌ای از مسابقات ورزشی است که به صورت متمرکز و در رشته‌های مختلف برگزار می‌شود، همان چیزی که ما امروزه به آن «المپιάد» می‌گوییم.
- трехгранный** سه‌گوشه
 ● «سه‌وجهی» درست‌تر است.
- тычинка** میله نر؛ اتامین
 ● «پرچم گل» معنی مصطلح‌تر «میله نر» و «اتامین» است.
- фельдшер** بهیار
 ● معنی «بهبیار» که اغلب برای این واژه ارائه می‌شود، دقیق نیست. «بهبیار» در فارسی زیر نظر پرستار کار می‌کند و درجه‌ای بسیار پایین‌تر از фельдшер دارد که تحصیلات پزشکی دارد و اجازه تشخیص و درمان مستقل بیماری. «آسیستان» و معادل‌های فارسی آن درست‌تر به نظر می‌رسد.
- скипидар** جوهر سقز
 ● نام متداول‌تر برای «جوهر سقز»، «ترباتین» است که بد نبود به آن اشاره شود.
- соло** سلو؛ تک‌خوانی

شمرده می‌شود؛ درحالی‌که منظور از واژه روسی، «ملچ‌ملوچ کردن» و «سق زدن» (صدایی که از «مارمولک» است که بهتر است به معنی مدخل فشردن زبان به کام دهان ایجاد می‌شود).

افزوده شود. **ящерица** سوسمار

● برای این واژه معادل «سوسمار» پیشنهاد شده‌است که امروزه در تداول مترادف «تمساح»

«دوستان دروغین مترجم»

جا دارد در همین بخش به گروه دیگری از اشکالات نیز اشاره شود که به «دوستان دروغین مترجم» (faux amis) معروف هستند. منظور واژه‌هایی از زبان مبدأ است که، به علت نزدیکی آوایی یا ساختاری با واژه‌هایی در زبان مقصد، به وسیله همین واژه‌ها ترجمه می‌شوند، هرچند میان آن‌ها تفاوت معنایی وجود دارد. نمونه کلاسیک «دوستان دروغین مترجم» واژه стакан روسی است که با وجود شباهت آوایی فراوان با واژه «استکان» فارسی، از لحاظ معنایی با آن قدری متفاوت است و باید به «لیوان» ترجمه شود. در فرهنگ روسی به فارسی مورد بحث نیز نمونه‌هایی از این «دوستان دروغین مترجم» وجود دارد. برای مثال:

واژه шинель در زبان روسی به معنای «پالتو» است و نه «شنل» به معنای «نوعی لباس بلند و گشاد که آستین ندارد و بر روی لباس‌های دیگر می‌پوشند». عنوان داستان مشهور گوگول هم، که به «شنل» مشهور است، در حقیقت باید «پالتو» باشد. داستایفسکی هم گفته‌است «همه ما از زیر پالتوی گوگول بیرون آمده‌ایم» و نه از زیر «شنل» او.

тайфун با وجود شباهت آوایی با واژه فارسی «توفان» هیچ ارتباط ریشه‌شناختی با آن ندارد و در حقیقت از دو واژه چینی به معنای «باد سخت» گرفته شده‌است و به تندبادهای نیرومند اقیانوس در ناحیه استوایی آسیای جنوب شرقی و خاور دور اطلاق می‌شود (Москвин 2002, «Тайфун»). معادل typhoon انگلیسی است که در فرهنگ انگلیسی - فارسی هزاره معادل‌های «تیفون»، «توفان دریایی»، «توفند» برای آن پیشنهاد شده‌است (حق شناس ۱۳۷۹، ذیل «typhoon»).

terror مانند واژه انگلیسی terror، علاوه بر «ترور»، به معنای «قتل جنجال‌ساز مشاهیر»، در معنای «ارعاب»، «سرکوب» و «جو وحشت و خفقان» نیز به کار می‌رود که معنی مصطلح‌تری هم برای واژه روسی است.

хаки معنای مصطلح‌تر این واژه که به صورت khaki از فارسی به زبان انگلیسی و برخی زبان‌های اروپایی دیگر نیز راه یافته، نه «رنگ خاکی»، بلکه «پارچه لباس ارتشی» یا «لباس پلنگی» است که ممکن است به شکل‌های مختلف برای استتار با آمیزه‌ای از رنگ‌های سبز و قهوه‌ای رنگ شود.



хохол گفته می‌شود این واژه از «کاکل» فارسی گرفته شده، ولی معنای امروز آن در همه فرهنگ‌های روسی، کم‌وبیش، به صورت «عبارت طنز و گاه تحقیرآمیز برای اطلاق به اوکراینی‌ها» ضبط شده است. حتی اگر معنای اولیه آن را در نظر بگیریم که نوعی آرایش خاص مو بوده است و در تصویر مشاهده می‌شود، باز شباهت چندانی با «کاکل» فارسی

پیدا نمی‌کنیم؛ ضمن آنکه در زبان روسی امروز برای اطلاق به این شیوه آرایش مو از واژه чуб استفاده می‌شود.

ارائه معادل برای ضرب‌المثل‌های روسی

بررسی تطبیقی اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های روسی و فارسی یکی از عرصه‌هایی است که پیشینه نسبتاً غنی و خوبی دارد و دست‌کم سه فرهنگ تخصصی در این زمینه موجود است: امثال و حکم فارسی به روسی (خالق کوراوغلی، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۷۱)، فرهنگ ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات روسی - فارسی (زیبا اجتهد، تهران، بشارت، ۱۳۷۹)، و فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی (صفرعلی فرسادمنش و لودمیلا یژووا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴). شاید بر پایه چنین پیشینه‌ای است که در نسخه جدید فرهنگ روسی به فارسی نیز، ذیل مدخل‌های مختلف، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فراوانی گنجانده شده و در اکثر موارد به جای ترجمه و توضیح آن‌ها از ضرب‌المثل‌های معادل رایج در

زبان فارسی استفاده شده‌است. با این حال در اینجا نیز نکته‌هایی برای اصلاح و بهبود می‌توان افزود:

верхушка айсберга که در فارسی نیز (احتمالاً تحت تأثیر معادل انگلیسی the tip of the iceberg) به صورت «نوک کوه یخ» به کار می‌رود، به هیچ وجه با کنایه «مشت نمونه خروار» هم‌ارز نیست. اتفاقاً نکته در همین است که با دیدن نوک کوه یخ نمی‌توان تصویری از بخش پنهان آن داشت، درحالی که دیدن «یک مشت» برای به دست آوردن ذهنیت درباره «خروار» کافی است. معادل «ظاهر قضیه» که در فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی آمده، درست‌تر است (حق‌شناس ۱۳۷۹، مدخل tip).

шито белыми нитками به درستی معادل «پیدا بودن دم خروس» ترجمه شده‌است. ولی معادل دوم «پته روی آب افتادن» درست نیست. این دو ضرب‌المثل هم‌معنی نیستند. «دم خروس پیدا بودن»، مانند ضرب‌المثل روسی، کنایه از «پنهان کردن ناشیانه چیزی» است، ولی در «پته روی آب افتادن» ممکن است شما چیزی را خیلی هم خوب پنهان نگه داشته باشید؛ ولی، به هر علت دیگر، پرده از پنهان‌کاریتان برداشته شود.

в чужом пире похмелье این ضرب‌المثل هنگامی کاربرد دارد که کسی به خاطر کاری که نکرده و براهر خطای دیگران دچار دردسر شود. «آش نخورده و دهن سوخته» نسبت به «یکی را نوش، دیگری را نیش» معادل دقیق‌تری به نظر می‌رسد.

на бедного Макара все шишки валятся برای این ضرب‌المثل معادل «گناه بی‌بی به گردن کنیز است» پیشنهاد شده که چندان درست نیست. این ضرب‌المثل فارسی کنایه از آن است که «بر بزرگان و اغنیا به خاطر کار خطایشان خرده نمی‌گیرند» (انوری ۱۳۸۴، ذیل «گناه بی‌بی به گردن کنیز است») و گناه آنان را به گردن دیگران می‌اندازند، ولی معنی ضرب‌المثل روسی به «هرچه سنگ است، مال پای لنگ است» نزدیک‌تر است.

волк в овечьей шкуре به «گرگ در پوست (لباس) گوسفند» و «گرگ میش‌نما» ترجمه شده‌است که هیچ کدام صورت متداول این ضرب‌المثل نیستند. «گرگ در لباس میش» و همچنین «مار خوش خط و خال» درست‌تر است.

واژه‌های از قلم افتاده

مسلماناً در هر فرهنگ لغتی شماری از واژه‌های رایج در زبان، بنا به علت‌های گوناگون، از قلم می‌افتد و باید پیوسته در ویراست‌های بعدی به رفع و تکمیل این موارد پرداخت. در همین ویراست شاهد افزودن برخی از واژه‌هایی هستیم که در نسخه پیشین از قلم افتاده بودند، مانند герцог, Ноев ковчег, рельефно, собранность, хутор (این غیر از واژه‌هایی است که به تازگی وارد زبان شده‌اند و به همین سبب در نسخه پیشین نشانی از آن‌ها نبود). برخی از مواردی که شاید با صلاح‌دید پدیدآورندگان جا داشته باشد در ویراست‌های بعدی به فرهنگ اضافه شود، بدین شرح است:

бобр	بیدستر	обедня	عشای ربانی
божество	خدا؛ آنچه پرستیده شود	поведать	خبیر دادن، آگاه کردن
впрямь	واقعاً، به راستی	постановление	مصوبه، تصمیم جمعی
враль	دروغگو	пряха	زن نخ‌ریس، ریسنده
груша (боксерская)	کیسه بوکس	пузо	۱. شکم‌گنده. ۲. (مجاز) خیک
дева Мария	مریم عذرا	руно	پشم
дрозд	طرقه	семерка	هفت، هفت‌تایی، هفت‌گانه
жрать	لمباندن	теолог	عالم دین، متأله
загадить	کثیف کردن	уран	اورانوس
зевок	(مجاز) غفلت	урбанизм	شهرنشینی، شهری‌گری
изрубить	ریزریز کردن	усыпальница	مقبره، آرامگاه
кучер	سورچی	фея	پری (قصه‌ها)
лиловый	یاسی، بنفش روشن	фи	أف، تف (حرف نفرت)
нагрудник	پیشبند، پیش‌سینه	шафер	ساقدوش

در پایان باید بار دیگر تأکید کرد که اکثر اشکال‌های یادشده جنبه موردی دارند و کمتر ایراد نظام‌مند در میان آن‌ها مشاهده می‌شود. فرهنگ در همین وضعیت فعلی بدون شک معتبرترین مرجع موجود در میان نمونه‌های مشابه است و قطعاً جای خود را در میان روسی‌دانان ایران باز خواهد کرد. فقط باید امید داشت پدیدآورندگان به همین

ویراست اکتفا نکنند و با کار مستمر در پی ارائه نسخه‌های کامل‌تر باشند و ای کاش صاحب‌نظران این رشته، به‌ویژه در دانشگاه‌ها، آنان را در این راه یاری کنند.

منابع:

- انوری، حسن (سرپرست) (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، هشت جلد، سخن، تهران.
انوری، حسن (سرپرست) (۱۳۸۴)، فرهنگ امثال سخن، سخن، تهران.
حق‌شناس، علی‌محمد (و همکاران) (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر هزاره: انگلیسی - فارسی، فرهنگ معاصر، تهران.
گفت‌وگوی نگارنده با داوود موسائی، مدیر مؤسسه فرهنگ معاصر، در ۱۳۹۲/۶/۵.
واسکانیان، گرانت آوانسوویچ (۱۳۹۲)، فرهنگ روسی به فارسی، ویراست جدید، ویراستار و دستیار: محسن شجاعی، فرهنگ معاصر، تهران.

Ожегов С.И., Шведова Н.Ю. (2001), *Толковый словарь русского языка*, 4-е изд., дополн., Азбуковник, Москва.

Москвин А.Ю. (2002), *Большой словарь иностранных слов*, Полюс, Москва.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی